کف خیابان

تولید، نیازمند حمایت

مانلی فخریان

■ وقتی صدای تولید بلند می‌شود، درد کارگر و پیچ و مهره‌های زنگ‌زده دستگاه‌ها، حقوق‌های نیامده و سوت پایان کاری کارخانه‌ها یک عالمه قد می‌کشد.

درد تولید و کارگر محتاج و کارفرمای مستاصل ماجرای تازه‌ای نیست. از روزی که بازار واردات داغ شد روی کارگران صنعتی هم پیش خانواده‌های‌شان سیاه و سیاه‌تر شد. این را البته ما نمی‌گوییم، همه آدم‌هایی که با اقتصاد سر و کار دارند یا ندارند به این مساله اعتراف می‌کنند برای همین لطفا به این واقعیت سخت نگیرید.

شنیدن گره‌های موجود از دل کارگران بیکار شده به خاطر واردات بی‌رویه کالا ماجرای دردناکی است.

یک بار که سری به تولید کننده‌ها بزنید این حرف‌ها را به خوبی می‌شنوید و دلتان از غصه‌های‌شان می‌گیرد. برای همین شما را به یک تولیدی پارچه می‌برم. اینجا کارگاه کوچکی است که ۱۰ یا ۱۲ نفر را نان می‌دهد. سرپرست کارگاه مرد جاافتاده‌ای است که تسبیحی میان انگشتانش دارد. به سمت میزش می‌روم و می‌گویم «حاج آقا برای ما تولید را تعریف کنید؟»

آه بلندی از سر نارضایتی می‌کشد «دیگر از تولید چی مانده که بخواهم تعریف کنم. بازار پر است از کالای خارجی، کسی جنس‌های ما را نمی‌خرد.»

«پس اوضاع تولید بد است؟»

«یعنی شما نمی‌دانید!! از بد هم بدتر، از وقتی چینی‌ها راه بازار ما را یاد گرفتند همه چیز شد چینی، هیچکس کالای ایرانی نمی‌خرد. این کارگاه هم یادگار پدرم است وگرنه تا الان فروخته بودم، نگه داشتم یادگارش زنده بماند والا نانی از این کارگاه درنمی‌آید.»

یکی از کارگران در حال چرخاندن یکی از دستگاه‌ها نگاهم می‌کند، نگاهی که یک دنیا حرف دارد، سراغش می‌روم و نظر او را می‌پرسم. می‌گوید:

«من از بچگی کارگری کردم، پدرم هم کارگر بود اما هیچ‌وقت مثل این روزها از بیکاری نترسیده بودم، مادرم زمینگیر شده و همه مخارجش با من است، اما هر روز که می‌آیم می‌ترسم در اینجا بسته باشد، همه اینها زیر سر کالاهای خارجی است وگرنه تولید ما خیلی خوب بود، کیفیت جنس‌هایمان از خارجی‌ها خیلی بهتر بود اما حالا هیچکس اینها را نمی‌خرد. نمی‌دانم اگر اینجا تعطیل شود نان خانواده را از کجا بیاورم من کار دیگری بلد نیستم.» و ترس از آینده در نگاهش می‌دود.

این حرف‌ها را البته در کوچه و خیابان هم می‌شنوم. با خانم میانسالی در خیابان صحبت می‌کنم و ازش می‌پرسم «به نظر شما تولید یعنی چه؟»

«خب معلوم است یعنی اینکه ما بتوانیم خودمان نیازهای خودمان را بسازیم و محتاج خارجی‌ها نباشیم» و خیره نگاهم می‌کند.

«وضعیت تولید در کشور ما به چه شکل است؟»

«فکر می‌کنم ما توانایی تولید خیلی زیادی داریم اگر راه چینی‌ها تا به این حد باز نباشد. تازگی‌ها همه چیز در بازار، چینی است، شکر خدا هم که عمر جنس‌هایشان به دو روز نمی‌رسد، من همیشه دنبال کالای ایرانی‌ام. نمی‌دانم مردم چرا باز هم خارجی می‌خرند.»

«یعنی با خرید کالای ایرانی به تولید کمک می‌کنید؟»

«نمی دانم می‌شود این را گفت یا نه اما من برای دل خودم این کار را می‌کنم شاید اگر همه اینجوری رفتار کنند به تولید داخلی هم کمک شود.»

پیرمردی عصازنان نظرم را جلب می‌کند از او راجع به تولید می‌پرسم.

«من که صاحب‌نظر نیستم اما تا جایی که عقلم می‌رسد فکر می‌کنم با این پول نفتی که سالانه وارد کشور می‌شود می‌توان رونق زیادی به بازار تولید داد، باید درست و کارشناسی شده عمل کرد تا نه پول نفت هدر برود نه تولیدکننده‌های داخلی بیکار شوند.»

ادامه در صفحه ۶

مقایسه شاخص‌های اقتصادی استان‌های کشور در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۴

بیشترین درآمد ناخالص خانوار در جیب تهرانی‌ها

قاسم ایزانلو*

عکس: عباس کوثری، شرق

براساس «چشم‌انداز ۲۰ساله کشور» که در سال ۱۳۸۴ ابلاغ شده است در سال ۱۴۰۴ ایران باید به کشوری با ویژگی‌های کلیدی دور بودن از فقر و تبعیض، توزیع عادلانه درآمد، برخوردار از سلامت، رفاه و تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر برای همگان، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی تبدیل شود. در این راستا سیاستگذاران اقتصادی کشور در تدوین و تصویب قوانین پایین‌دستی سند چشم‌انداز کشور به ویژه قوانین برنامه توسعه چهارم و پنجم توسعه و سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی بر گنجاندن مواد قانونی تسهیل و تسریع کننده دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز به ویژه از حیث ایجاد توسعه متوازن و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای تاکید فراوانی کرده‌اند. مدعای این امر مواد قانونی برنامه پنجم توسعه شامل ماده ۸۰ (ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو)، ماده ۸۴ (موظف شدن دولت به توزیع منابع صندوق توسعه ملی بین بخش‌ها و استان‌های کشور به منظور حصول توسعه متوازن)، ماده ۱۸۰ (توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات با رویکرد استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت) و ماده ۲۲۴ (توزیع عادلانه مازاد درآمد استانی جهت تعادل‌بخشی و ارتقای شاخص‌های توسعه‌یافتگی بین استان‌ها) است. اکنون با گذشت بیش از شش سال از ابلاغ سند چشم‌انداز کشور، بررسی و تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌های کلیدی اقتصادی استان‌های کشور می‌تواند شاخص نسبتا مناسبی برای ارزیابی میزان موفقیت در دستیابی به اهداف مندرج سند یادشده باشد. بر این اساس در ادامه این مطلب، کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصادی کشور به تفکیک استان‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۴ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. ذکر این نکته حایز اهمیت است که با وجود سعی و تلاش فراوان برای بررسی و تحلیل شاخص‌های اقتصادی در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۴ در بخش‌هایی از این نوشته تحلیل‌گونه، به سبب محدودیت دسترسی به آمار و اطلاعات اقتصادی به ویژه عدم انتشار آمار و اطلاعات رسمی از سوی مراجع ذی‌صلاح همچون بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، بازه زمانی تحلیل‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده محدودتر شده است. شاخص‌های اقتصادی متنوعی برای ارزیابی اندازه کارآمدی قوانین و سیاست‌های اقتصادی ابلاغی و نیز مقایسه وضعیت اقتصادی استان‌های کشور با یکدیگر وجود دارد. با این وجود با توجه به آمار و اطلاعات منتشرشده از سوی مراجع آماری، کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی تولید ناخالص داخلی، بودجه خانوار، وضعیت منابع و مصارف بانکی، سطح عمومی قیمت‌ها و اعتبارات تخصیصی دولتی هستند. بررسی تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور و شاخص‌های استخراجی از آن نشان می‌دهد: برای سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ استان‌های «تهران، اصفهان، خوزستان» و برای سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۶ استان‌های «تهران، اصفهان، خراسان رضوی» رتبه‌های اول تا سوم بیشترین تولید ناخالص داخلی استانی (بدون احتساب نفت) را دارا بوده‌اند. در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۴ استان‌های «خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام» و در سال ۱۳۸۸ استان‌های «خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام» در رتبه‌های بیست و هشتم تا سی‌ام تولید ناخالص داخلی استانی (بدون احتساب نفت) قرار گرفته‌اند. در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۴ استان‌های «کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و بوشهر» رتبه‌های اول تا سوم تولید سرانه را در بین استان‌های کشور در اختیار داشته‌اند. در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «لرستان، کردستان، سیستان و بلوچستان» و «آذربایجان غربی، کردستان، سیستان و بلوچستان»، «کردستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان»، «کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان» و «کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان» رتبه‌های بیست و هشتم تا سی‌ام تولید سرانه در بین استان‌های کشور را دارا بوده‌اند. برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ استان‌های «کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و بوشهر» سه استان برتر در بهره‌وری نیروی کار بوده‌اند. برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ سه استان «آذربایجان غربی، کردستان و سیستان و بلوچستان» سه استان انتهایی کشور از حیث بهره‌وری نیروی کار بوده‌اند. بررسی درآمد و هزینه خانوارهای استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۸۹- ۱۳۸۴ حاکی از آن است که: در هر یک از سال‌های بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «تهران، بوشهر، سمنان» و «تهران، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد» و «تهران، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر» و «تهران، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد» و «تهران، بوشهر، اصفهان» و «تهران، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد» رتبه‌های اول تا سوم بیشترین درآمد ناخالص خانوار را در اختیار داشته‌اند. در هر یک از سال‌های بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی» و «خراسان شمالی، قم، یزد»، «لرستان، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی» و «سیستان و بلوچستان، لرستان، خراسان شمالی»، «لرستان، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی» و «اردبیل، لرستان و خراسان شمالی» رتبه‌های بیست و هشتم تا سی‌ام درآمد ناخالص خانوار را دارا بوده‌اند. در هر یک از سال‌های بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «سمنان، لرستان، گیلان»، «گلستان، آذربایجان غربی، هرمزگان» و «هرمزگان، قم، زنجان»، «کرمانشاه، خراسان جنوبی، تهران، بوشهر» و «هرمزگان، یزد و هرمزگان، خوزستان، کردستان» در رتبه‌های اول تا سوم بیشترین شکاف مثبت میان درآمدها و هزینه‌های ناخالص خانوار قرار گرفته‌اند. در هر یک از سال‌های بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، اردبیل»، «ایلام، اردبیل، یزد»، «بوشهر، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد»، «کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، یزد»، «مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام» و «قزوین، خراسان شمالی و ایلام» سه استان دارای بیشترین شکاف منفی میان درآمدها و هزینه‌های ناخالص خانوار قرار گرفته‌اند.

در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به ترتیب ۶۶/۷، ۷۲/۴، ۷۳/۳، ۶۳/۳، ۶۶/۷ و ۷۰ درصد استان‌های کشور دارای مابه‌التفاوت منفی درآمد و هزینه ناخالص خانوار بوده‌اند. در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به ترتیب ۳۳/۳، ۲۷/۶، ۲۶/۷، ۳۶/۷، ۳۳/۳ و ۳۰ درصد استان‌های کشور دارای مابه‌التفاوت مثبت درآمد و هزینه ناخالص خانوار بوده‌اند. در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به طور میانگین ۷۰ درصد استان‌های کشور دارای مابه‌التفاوت منفی درآمد و هزینه ناخالص خانوار بوده‌اند. منفی بودن مابه‌التفاوت درآمد و هزینه ناخالص خانوارهای استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۴ به معنای عدم تکافوی درآمدهای اغلب خانوارها جهت پوشش هزینه‌های آنها و در نتیجه حرکت کردن به سمت اخذ انواع وام‌ها با بهره‌های متفاوت بوده است. در عین حال یکی از مهم‌ترین نتایج مابه‌التفاوت منفی درآمد و هزینه خانوارهای استان عدم توانایی خانوارها جهت تشکیل پس‌انداز، عدم جذب سپرده بخش خصوصی توسط بانک‌ها، عدم تجهیز منابع آنها و در نتیجه بالا بودن چشمگیر نسبت مصارف به منابع بانک‌ها است. مدعای این امر، نسبت قابل توجه و بزرگ‌تر از یک مجموع تسهیلات به سپرده‌های بانکی بانک‌ها است. بررسی مقایسه‌ای وضعیت منابع و مصارف بانک‌های استان‌های کشور شاخص مناسبی برای تحلیل قدرت پس‌انداز خانوارها و نیز اندازه‌گیری توانمندی بانک‌ها در پرداخت وام و تسهیلات به فعالان اقتصادی است. متاسفانه با توجه به محدودیت‌های آماری موجود، تنها برای سال ۱۳۸۹ انجام این تحلیل مقایسه‌ای امکان‌پذیر است. بر این اساس: در سال ۱۳۸۹ استان‌های «تهران، اصفهان و فارس»، رتبه‌های اول تا سوم و «ایلام، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد» رتبه‌های بیست و هشتم تا سی و سوم جذب سپرده بانکی را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۳۸۹ و استان‌های «تهران، اصفهان و خراسان رضوی» سه استان اول و «خراسان شمالی، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد» سه استان آخر از حیث تسهیلات پرداختی بانکی هستند.

در سال ۱۳۸۹ استان‌های «سیستان و بلوچستان، خوزستان و فارس» کمترین نسبت مصارف به منابع بانکی و «خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد» بیشترین نسبت مصارف به منابع بانکی را دارا بوده‌اند. شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری، معیار مناسبی برای مقایسه سطح گرانی قیمت کالاها و خدمات در مناطق مختلف است. بر این اساس در استان‌هایی که دارای شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی پایین‌تری نسبت به میانگین کشوری هستند، کالاها و خدمات با میانگین قیمت کمتری به مصرف‌کنندگان عرضه می‌شوند و برعکس در استان‌هایی که دارای شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی بالاتری نسبت به میانگین کشوری هستند، کالاها و خدمات با قیمت بیشتری به تقاضاکنندگان عرضه می‌شوند. تفاوت منطقه‌ای (استانی) این شاخص دلایل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین آنها برخورداری استان‌ها و مناطق توسعه‌یافته کشور از فضای مساعد کسب و کار و وجود بنگاه‌های اقتصادی تولیدی متعدد، برخورداری از زیرساخت‌های حمل و نقل مناسب و وجود شبکه توزیع کارآمد باشد. بررسی شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور به تفکیک استان حاکی از آن است که: در هر یک از سال‌های بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «کرمانشاه، خراسان شمالی، قم»، «ایلام، لرستان، خراسان جنوبی»، «ایلام، خراسان جنوبی، لرستان»، «ایلام، لرستان، همدان»، «قم، همدان، لرستان»، «قم، همدان، ایلام» و «خراسان جنوبی، همدان، ایلام» رتبه‌های اول تا سوم بیشترین شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی شهری را در اختیار داشته‌اند. در هر یک از سال‌های بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۴ به ترتیب استان‌های «آذربایجان شرقی، تهران، بوشهر» و «گیلان، تهران، بوشهر» و «سمنان، سیستان و بلوچستان، بوشهر» و «سیستان و بلوچستان، کرمان، بوشهر» و «فارس، کرمان، بوشهر» و «کهگیلویه و بویراحمد، فارس، بوشهر» و «کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، قم» کمترین شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی شهری را در اختیار داشته‌اند. با توجه به وضعیت اجمالی تبیین‌شده درخصوص شاخص‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزارهای در دسترس و موجود جهت قرار گرفتن کمتر توسعه‌یافته در مسیر فرآیند توسعه و کاهش شکاف قابل توجه شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استان‌های پیشرو کشور، برخورداری از اعتبارات استانی مناسب است. با این وجود بررسی شاخص عملکردی اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای حاکی از سهم ناچیز استان‌های کمتر توسعه‌یافته از مجموع پروژه‌های عمرانی و اعتبارات عمرانی کشوری‌ست. بر اساس نتایج خلاصه‌شده عملکرد بودجه دریافتی استانی و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌های کشور مشاهده می‌شود. در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۶ «خوزستان، تهران و خراسان رضوی» سه استان برتر از حیث مجموع بودجه دریافتی استانی محسوب می‌شوند. در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۶ به ترتیب استان‌های «خراسان شمالی، قم، سمنان»، «خراسان شمالی، سمنان، قم»، «قزوین، خراسان شمالی، سمنان» و «خراسان شمالی، قزوین، سمنان» استان‌های کم‌بهره‌مند از حیث بودجه دریافتی استانی بوده‌اند.

با توجه به مطالب ذکرشده در این بخش، به نظر می‌رسد با وجود مستندات و تکالیف قانونی اقتصادی کشور مبنی بر لزوم توزیع عادلانه منابع عمومی بین استان‌های کشور جهت کاهش شکاف‌های توسعه‌ای و حصول توسعه متوازن، اعتبارات کشوری به گونه بهینه‌ای بین استان‌های کشور توزیع نشده است. نمود عینی جهت اثبات این مدعا، تداوم وضعیت نامناسب شاخص‌های کلیدی اقتصادی برخی استان‌های کشور از قبیل «ایلام، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و قم» است.

با این وجود امید است حسب مواد قانونی برنامه پنجم توسعه که پیشتر ذکر شد با دسترسی استان کمتر توسعه‌یافته به سهم بیشتری از اعتبارات کشوری و نیز استقرار مدیریت بهینه کارآمدتر و اثربخش‌تر اقتصادی، این استان‌ها نیز به جمع استان‌های بهره‌مند از شاخص‌های توسعه‌یافتگی بپیوندند.

*کارشناس اقتصادی

معرفی کتاب

بحران اقتصاد جهانی و آینده اقتصاد ایران

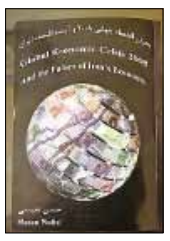

■ شرق: از زمان شروع بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی تا به امروز هرچند اخبار و تحلیل‌های بسیاری درخصوص آثار و پیامدهای این بحران در رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر شده است اما تعداد کتاب‌هایی که به صورت تفصیلی و با ارایه اسناد و آمارهای گوناگون اقدام به تحلیل و تفسیر پیامدهای این بحران، مخصوصا بر شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه کرده باشند، بسیار اندک است. در همین راستا «دکتر حسن نفیسی» که در سال گذشته با انتشار هفتمین اثر خود به نام «چالش‌های اقتصادی قرن ۲۱ در ایران و جهان» اقدام به تشریح دلایل تشدید رقابت‌های اقتصادی و تفسیر چشم‌انداز پیش روی اقتصاد جهانی کرده بود، با انتشار کتاب جدید خود به نام «بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۸ و آینده اقتصاد ایران» اقدام به واکاوی ریشه‌های این بحران و بررسی تاثیرات آن بر موضوعات گوناگونی کرده است. دکتر نفیسی که دارای دکترای اقتصاد است در این کتاب ضمن رویکرد تحلیلی به نقش این بحران و مجموعه نوسانات اقتصاد جهانی سال ۲۰۰۸ در کشورها، به‌ویژه تبعات منفی آن بر اقتصاد ایران پرداخته است زیرا یکی از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی در ممالک صنعتی، اثری است که بر روند توسعه کشورهای در حال توسعه دارد زیرا این کشورها از دو جهت به اقتصادهای صنعتی غرب وابسته‌اند؛ نخست به لحاظ تکنولوژی پیشرفته مورد نیاز برای ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و دوم افت تقاضا یا افت قیمت در بازار مواد خام و سوخت که عمده‌ترین منبع درآمد کشورهای در حال توسعه است. اما آنچه محتوای این کتاب را بسیار خاص کرده نگاه نقادانه نویسنده بر این دو جنبه است زیرا اقتصاد ایران درست زمانی با این بحران مصادف شده که طرح دولت مبنی بر حذف تدریجی یارانه‌ها به اجرا درآمد و دوم اینکه برنامه پنجم توسعه کشور بیش از هر زمانی به سرمایه‌گذاری کلان نیاز دارد و افق اقتصاد غیرنفتی را برای خود ترسیم کرده است. امیدواریم مطالعه این کتاب که علاوه بر تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و تحقیقات متعدد در زمینه‌های مرتبط با اقتصاد جهانی، راهکارهایی را برای چالش پیش‌روی اقتصاد ایران در دهه آینده ارایه داده است، مورد توجه پژوهشگران، مسوولان اقتصادی و کارشناسان و دست‌اندرکاران توسعه اقتصادی کشور قرار بگیرد.